The application of the Principle of Proportionality in Public Law, Tool and Review Measure for Preventing and Controlling Administrative Corruption

Babak Esfahani[1], Saber Nyavarani[2]

1. PhD student in Public Law, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Esfahani.babak@yahoo.com.
2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Sabberniavarani@gmail.com(corresponding author)

Date Received : 2022/09/14
Date of correction 2022/11/23
Date of Release:2022/12/15

Abstract

The emergence and progression of corruption is one of the most important examples of inefficiency in administrative system. Combating corruption requires many tools, precision and tact, so it is only possible to strength health of administrative system, promote rules qualitatively and performance of controller organizations and fight against corruption progress through creating proportionality among general policies of state's administrative system and relevant rules, coordinating performance of supervisory bodies with regulatory norms, controlling and review rules, and finally strengthening people's position in the process of control and review system. The application of general principle of law as a tool to prevent corruption in its various external forms of manifestation and significant improvement of administrative system's efficiency are important in seeking optimal and effective methods in order to improve framework of legislative, executive and review mechanisms. The principle of proportionality as a principle bearing structure and as one of the modern principles in law attempts to guarantee that individuals' freedom, as a public right of citizens against the government, will prevent corruption and abuse in public power and discretionary power by state and governmental authorities in order to proper conduct of community. The research concentrating on the application of the principle of proportionality as an efficient tool for encountering administrative corruption. This ıs a descriptive-analytical research gathering data and information using library research method. This research attempts not only clarify concept of the principle of proportionality, as a supervisory efficient tool to encounter corruption, but also probe the application of it in legislative, executive and review mechanisms in order to create anti-corruption restrictions .

Keywords: The Principle of Proportionality, Administrative Corruption, Anti-Corruption Restrictions, Discretionary Power, Supervisory, Situational Prevention

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

فصلنامه حقوق اداری
سال دهم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۳۳
مقاله علمی پژوهشی

کاربست اصل تناسب در حقوق عمومی، ابزار و سنجه نظارتی در پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن

بابک اصفهانی[۱]؛ صابر نیاورانی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۴

چکیده

یکی از مهمترین مصادیق ناکارایی در نظام اداری، پیدایش و رشد فساد است. مبارزه با فساد نیازمند لوازم، ظرافت‌ها و تدابیر بسیار است؛ از این روی تقویت سلامت نظام اداری، ارتقای کیفی قوانین و کارکرد سازمان‌های کنترل‌کننده و مقابله با گسترش فساد، صرفاً از طریق ایجاد تناسب میان سیاست‌های کلان نظام اداری کشور و قوانین مرتبط، هماهنگ کردن عملکرد نهادهای نظارتی با هنجارهای قاعده‌ساز و قوانین نظارتی و کنترلی و سرانجام تقویت جایگاه مردم در فرآیند نظام نظارت و کنترل میسر است. در جستجوی روش‌های بهینه و مؤثر برای بهبود چارچوب سازوکارهای تقنینی، اجرایی و نظارت، کاربرد اصول کلی حقوق به‌عنوان ابزاری جهت جلوگیری از فساد در اشکال مختلف ظهور خارجی آن و بهبود قابل توجه کارایی نظام اداری، حائز اهمیت می‌باشد. اصل تناسب به‌عنوان اصلی ساختارمند و یکی از اصول مدرن حقوقی، در تلاش است تا به‌عنوان یک حق عمومی شهروندان در برابر دولت، متضمن آن باشد تا در راستای اداره خوب جامعه مانع بروز فساد و سوء استفاده مقامات دولتی و حکومتی از قدرت عمومی و صلاحیت اختیاری گردد. هدف این پژوهش مطالعه کاربرد اصل تناسب به عنوان ابزاری کارآمد در رویارویی با فساد اداری است. روش تحقیق از نوع تحلیلی ـ توصیفی بوده و اطلاعات و داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این نوشتار برآنیم تا ضمن تبیین اهمیت اصل تناسب به مثابه ابزار کارآمد نظارتی در رویارویی با فساد، کاربست آن را در سازوکارهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی در جهت ایجاد محدودیت‌های ضد فساد، مورد فراکاوی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: اصل تناسب، فساد اداری، محدودیت‌های ضد فساد، صلاحیت اختیاری، نظارت، پیشگیری وضعی

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Esfahani.babak@yahoo.com.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛ Sabberniavarani@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

مقدمه

اندیشه‌ی جستجوی ابزار مؤثر جهت جلوگیری از فساد در تمامی مظاهر آن، در فعالیت‌های نهادهای دولتی و نظام اداری به معنای مجموعه‌ای هدفمند از اشخاص و امکانات مادی که هدف آن رفع نیازمندی‌های مردم و محافظت از حق‌ها و آزادی‌ها و منافع مشروع افراد جامعه باشد، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان عرصه علوم انسانی خاصه حقوقدانان بوده است. علت‌ها و عوامل مؤثر در بروز فساد، متعدد و چند بعدی است و می‌توان در این زمینه به علت‌ها و عواملی همچون عوامل قانونی ـ قضایی، بازرسی و نظارتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اداری و مدیریتی و ... اشاره کرد؛ بنابراین فساد، نیروی یکپارچه و متمرکزی نیست که بتوان آن را با راه‌حل تک‌بعدی کنترل کرد، بلکه مستلزم استفاده از راهبردی کلی‌نگر و چندبعدی است. یکی از اقدامات کارآمد و مؤثر در مسیر مبارزه با فساد، شناسایی هر یک از علت‌ها و عوامل مؤثر بر بروز آن و کاربست پالایه‌ای[1] جامع با معیارهای مؤثر کنترلی در ایجاد محدودیت‌های ضد فساد بر اعمال گسترده اقتدارات حکومتی است. کاربرد چنین ابزاری در پیشگیری از بروز فساد به مثابه نظارت پیشگیرانه در تضمین حق‌ها و آزادی‌های فردی و گروهی و اجتماعی، می‌تواند واجد اثر باشد. امروزه اندیشه «پیشگیری بهتر از سرکوب است» تا بدان‌جا پیش رفته است که حتی برخی صحبت از حق بر پیشگیری، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر می‌کنند (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

یکی از این پالایه‌ها اصل تناسب۲ می‌باشد. اصل تناسب زاییده تلاش جهت حل تعارضات مختلف در قالب یک نظام حقوقی است. در حقیقت این اصل متداول‌ترین شیوه در مدیریت و حل اختلاف ایجاد شده میان دو قاعده حقوقی و نیز یک ماده قانونی با منافع عمومی و دولتی (حقوق اساسی) و یا تعارض میان منافع خصوصی با منافع عمومی و دولتی (حقوق اداری) است (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۴: ۴۹۰ ـ ۴۸۹). اصل تناسب موجد نگرشی است که می‌تواند تنظیم کننده روابط میان افراد و قدرت عمومی باشد (مرادی برلیان، ۱۳۹۲: ۱۴). البته بازتاب این نگرش در ایجاد محدودیت‌های ضد فساد واجد مطلوبیت و اثرگذاری است. نه تنها می‌بایست در تصویب قوانین و مقررات مناسب لحاظ گردد، بلکه باید در اجرا نیز مطابق با اهداف آن و نظارت بر صلاحیت‌های اختیاری مقامات عمومی مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد، از این رو مقاله پیش رو در نظر دارد

1. Filter
2. Proportionality principle

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

امکان تشکیل مبنای قابل اتکای نوینی برای قانون‌گذاری یکپارچه مدرن، تفسیر و اجرای آن و نظارت بر گستره اقتدار و اختیارات اداره در راستای جلوگیری مؤثر و کارا از فساد در تمامی مظاهر آن را، در خدمات عمومی و نظم عمومی فراهم آورد. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که «ساختار اصل تناسب در مقابله با فساد اداری و مصادیق آن نظیر سوءاستفاده از موقعیت عمومی، حزب‌گرایی یا خویشاوندگرایی، رشاء و ارتشا و ... چه سهمی را در حوزه نظارت دارا است؟». به‌نظر می‌رسد یکی از آثار و نتایج کاربست اصل تناسب، ایجاد محدودیت در بروز فساد اداری خواهد بود. استفاده از آزمون تناسب به‌عنوان یک عنصر قابل اتکای قانونی یک نگاه جدید بر محدودیت‌های ضد فساد بوده و شکاف بین چارچوب قانون‌گذاری و عمل را در عرصه مبارزه با فساد پر می‌کند تا بدین‌ترتیب چارچوبی قوی جهت حذف فساد و بهبود قابل توجه کارایی اجرای آن، ایجاد شود که هدف این پژوهش است. بنابراین در این نوشتار پس از ذکر مقدمه، به اختصار مفهوم و ساختار اصل تناسب تبیین می‌گردد، سپس فساد اداری و رعایت آزمون تناسب در حیطه رویارویی با فساد مورد لحاظ قرار می‌گیرد، آنگاه کوشش شده است تا کاربست این اصل مدرن در انطباق با سازوکارهای تقنینی، اجرایی و نظارتی در راستای ایجاد محدودیت‌های ضد فساد مورد تدقیق و فراکاوی قرار گیرد.

۱. مفهوم و ساختار اصل تناسب در حقوق عمومی

امروزه توجه به اصول کلی حقوقی در بیشتر نظام‌های حقوقی پیشرفته‌ی دنیا امری پذیرفته شده است و این دسته از هنجارهای قاعده‌ساز حقوقی، حتی در نظام‌های دارای حقوق نوشته نیز به‌راحتی در شمار منابع کلاسیک حقوقی همچون قانون قرار داده می‌شوند (مرادی برلیان، ۱۳۹۳: ۱۳).

یکی از اصول کلی حقوقی، اصل تناسب است که اجازه نمی‌دهد مقامات عمومی با این بهانه که دارای صلاحیت اختیاری هستند از موقعیت خود سوء استفاده نمایند و منافع خصوصی را بر منافع عموم ترجیح دهند (Andreescu, 2011: 117). این اصل علاوه بر این که تلاش می‌کند دخالت دولت را به حداقل برساند، به‌عنوان یک سپر که از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین حفاظت می‌کند، عمل می‌کند. پیش از هر چیز، اصل تناسب در خدمت محدود کردن قدرت و حراست از آزادی‌ها است. اصل تناسب اصلی حق‌مدار است، این اصل با در نظر گرفتن دو وجه اعمال وظایف و اختیارات اداری یعنی اقتضائات اداری از یک سو و حقوق و آزادی‌های شهروندان از سوی دیگر بر آن است تا با برقراری توازن مطلوب، اداره‌ای خوب و شایسته را برای خدمت به مردم ایجاد نماید (مرادی برلیان، ۱۳۹۳: ۱۳).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

مراد از خدمت، تحقق دو هدف اصلی شکل‌گیری مراجع و سازمان‌های اجرایی و اداری، یعنی انجام «خدمات عمومی» و حفظ «نظم عمومی» می‌باشد. منظور از انجام خدمات عمومی، فعالیت عام‌المنفعه‌ای است که تنها هدف آن نفع عمومی است و توسط قانون‌گذار یا دولت و به موجب قوانین یا مقررات، تصویب و تصمیم به انجام آن گرفته می‌شود. از آنجا که انجام خدمات توسط دولت و یا قوه قانون‌گذاری صورت می‌پذیرد، لذا برای تحقق و تضمین ارائه خدمات عمومی، اصول چندی مورد توجه و رعایت قرار می‌گیرد که از جمله این اصول، اصل تناسب، به معنای ایجاد تعادل میان فعالیت‌ها و اعمال اداری با اهداف موردنظر اداری است (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۴: ۴۹۲ ـ ۴۸۹).

اصل مذکور برای کلیه فعالیت‌های دولت به‌مثابه یک کنترل مبتنی بر قانون اساسی است که مشروعیت خود را از برخی از اصول و مواد قانون اساسی دریافت می‌کند.[۱] اصل تناسب به‌عنوان یک اصل قانون اساسی و نیز یک اصل حقوق اداری، از الزامات هر تصمیم و اقدام مبتنی بر ارزیابی منصفانه و حفظ تعادل میان اهداف و منافع و ابزارهای دستیابی به اهداف مذکور است به‌طوری که در هر انتخاب معقولانه و هوشمندانه اهداف، بایستی بدان توجه شود. (Dahl, 1999: 170).

رشد کمی و پیچیدگی کیفی مناسبات اجتماعی و افـزایش مـداخله گروه‌های دولت در شـئون زندگانی اعضای جامعه، به گواه آثار نظری و نتایج عملی، موجد شناسایی صلاحیت اختیاری در زندگی اجتماعی اشخاص بوده است. این پدیده نوظهور و میهمان ناخوانده آنقدر مورد توجه و حمایت قرارمی‌گیرد که گاهی به سوی اعمال دلخواهانه، سلیقه‌ای و دور از کنترل مؤثر و ایجاد فساد سیر می‌نماید. در نتیجه حقوقدانان و مصلحان اجتماعی این بار ضمن شناسایی هستی، ضرورت و فایده‌های صلاحیت اختیاری، اذعان کرده‌اند که باید به‌دنبال مبانی و راهکارهایی برای این توسن لجام گسیخته باشیم (زارعی، فنازاده، ۱۳۹۳: ۵۳۶)، تا بدون آنکه صلاحیت اختیاری را همچون پرنده‌ای بدون بال و پر در قفسی محدود کنیم، تعادلی میان اقدامات قانونی و اهداف قانونی ایجاد گردد. از این روی معیار تناسب بر این نکته تأکید دارد که تصمیم مقام اداری باید در راستای هدفی باشد که صلاحیت تصمیم‌گیری آن به مقام اداری واگذار شده است. بنابراین معیار تناسب، نخستین محدودیت را بر صلاحیت تخییری وارد می‌نماید و آن رعایت هدف قانون‌گذار و ضرورت‌ها در اتخاذ تصمیم است. اصل تناسب می‌گوید: باید بتوان میان تصمیم کارمند و ابزار مورد استفاده رابطه‌ای

---

۱. پیش از هر چیز، اصل تناسب در خدمت محدود کردن قدرت و حراست از آزادی‌ها است و این معنا با مفهوم ماهوی حاکمیت قانون که واجد ماهیت قانون اساسی است، منطبق است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

منطقی برقرار نمود. کارمند در اعمال صلاحیت تخییری آزاد نیست. وی باید صلاحیت تخییری خود را در راستای معنی و هدف قانون به کار ببرد و از هرگونه اقدام سخت‌گیرانه و خارج از ضرورت اجتناب کند (مشهدی، ۱۳۹۱: ۹۷). ماده ۶ کد اروپایی رفتار خوب اداری در این زمینه بیان نموده است که «در موقع اتخاذ تصمیمات کارمند باید مراقب باشد تا تدابیر وی با هدف مورد تعقیب متناسب باشد. کارمند به ویژه باید از محدود نمودن حقوق شهروندان یا تحمیل هزینه بر آنان، چنان که این محدودیت‌ها یا هزینه‌ها ارتباط معقول با هدف موردنظر ندارند، بپرهیزد. در حین اتخاذ تصمیم کارمند باید تعادل منصفانه بین منافع اشخاص خصوصی و منافع عمومی برقرار نماید» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۳). به بیان دیگر معیار تناسب، معیار عامی است که دادگاه‌های اداری برای کنترل قضایی اعمال دولت به کار می‌برند. این معیار معمولاً به عنوان یکی از مهم‌ترین استانداردهای مربوط به آیین‌های تصمیم‌گیری اداری در حقوق اداری مدرن کاربرد دارد (مشهدی، ۱۳۹۱: ۹۷)، ولی اعمال آن به کنترل صلاحیت‌های اختیاری محدود نمی‌شود و در حوزه قانون‌گذاری و تفسیر و نظارت بر اجرای آن نیز قابل تسری است.

اصل تناسب قبل از هر جای دیگر، در کشور آلمان ابداع و ایجاد گردید. این اصل مدت‌ها پیش بر رویه قضایی دیوان پروس به منصه ظهور رسید. اتومایر حقوقدان مشهور آلمانی در کتاب خود در زمینه حقوق اداری آلمان در خصوص اعمال وظایف و اختیارات پلیس چنین نگاشته بود: «واکنش مقام پلیس تنها می‌تواند اداره شونده‌ای را مورد خطاب قرار دهد که اختلال از جانب او ناشی می‌شود. وقتی که قانون، اتخاذ شیوه‌های قهرآمیز را مجاز اعلام می‌دارد، این امر بارزتر است. اما علاوه بر این، به دلیل وجود بنیان این اصل در حقوق تطبیقی، توقع متناسب بودن واکنش به جا بوده و می‌بایست تضمین‌کننده میزان بروز فشار و استفاده از قوه قهریه، مورد قبول باشد. تناسب در صورت حقوقی خود از راه تفسیر قوانین مرتبط با موضوع موردنظر و صلاحیت‌های عمومی اعطا شده از طریق قانون به مقامات اداری، جای خود را در حقوق اداری باز می‌کند.» (Mayer, 1925: 222)

در اثر ارزشمند پروفسور مورِر (Maurer, Fromont, 1995: 272)، وضعیت کنونی رویه قضایی دادگاه‌های اداری کشور آلمان این چنین توصیف شده است: «اصل تناسب، که قبل از هر چیز در زمان صدور اعمال اداری در بردارنده هزینه یا تبعیت، قابلیت اعمال دارد، به رابطه‌ی فی مابین هدف و وسایل و ابزار انجام آن هدف مربوط است. وسیله و ابزاری که برای رسیدن به هدف یا یک نتیجه معین انتخاب می‌گردد. باید الزاماً با حدودی از تناسب در معنای موسع خود منطبق باشد. به عبارت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

دیگر باید مناسب، ضروری و دقیقاً متناسب با هدف موردنظر باشد». البته باید خاطر نشان ساخت، ترمینولوژی موجود در این موضوع، هنوز کاملاً و دقیقاً انتخاب نگردیده است.

با این وصف معیارهای اعمال اصل تناسب در حقوق آلمان را می‌توان در سه دسته‌ی زیر خلاصه کرد:

الف. معیار شایستگی یا مناسبت: اقدام صورت گرفته برای به دست آوردن هدف موردنظر درخور باشد به آن معنا که قابلیت دستیابی به یک هدف مشروع را داشته باشد. مناسب بودن اقدام اتخاذی باید بر طبق استانداردهای عینی تعیین شود، نه معیارهای ذهنی مقام اداری. اقدامی که هدف قانون را برآورده نمی‌کند یا مغایر آن است نامناسب قلمداد می‌گردد (Singh, 2001:163).

ب. معیار ضرورت: هیچ وسیله‌ی متعادل دیگری برای به دست آوردن هدف موردنظر قابل پیگیری نباشد؛ یعنی اقدام جایگزین دیگری که شامل محدودیت‌های کمتری باشد، وجود نداشته است.

ج. معیار اقتضا (تناسب در مفهوم مضیق): برای آن که انجام اقدام توجیه‌پذیر باشد، منفعت حاصله از آن، باید به‌طور کل بیشتر از صدمه‌ای باشد که به افراد مرتبط با آن اقدام وارد می‌شود، یعنی مقام عمومی و اداری نباید اقدامی را که در بردارنده آسیبی فراتر از حدود مرتبط با هدف مورد نظر است. برای افراد تحمیل نماید (Poto, 2007: 866, Takahashi, 1999: 11-13). اعمال این معیار ربط وثیقی با ارزش هدف موردنظر، حدود مداخله و ماهیت قلمرویی که در چارچوب آن تصمیم‌گیری شده است دارد. معیار سوم هنگامی کاربرد دارد که معیار دوم قابلیت اعمال را نداشته باشد؛ یعنی در صورتی که برای مقام اداری امکان تمسک به روش‌های جایگزینی که دارای محدودیت کمتری هستند وجود ندارد (مرادی، ۱۳۹۳: ۸۳ ـ ۸۲).

۲ . فساد اداری و رعایت آزمون تناسب در حیطه محدودیت‌های ضد فساد

فساد اداری، پدیده‌ای جهان‌شمول است که نظام اداری هر کشور کم و بیش به آن دچار است. در خصوص معنای فساد[1] باید بر این واقعیت اذعان داشت که امکان یک تعریف جامع و مانع که در برگیرنده همه موارد باشد، مشکل است و این چالش در تعریف به حدی است که حتی برخی با اطمینان اظهار داشته‌اند، متخصصان فن هرگز در مورد یک تعریف واحد به توافق نخواهند رسید.

1. Corruption

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

گروهی بر این باورند که واژه Corruption یک لغت است، با معانی بسیار که هر یک از این معانی براساس محیط و متن سیاسی و اجتماعی خاص که این لفظ در آن استعمال می‌شود، به کار می‌رود (Sampford, 2007:67). بر این اساس برخی معتقدند دو مکتب فکری مهم در مورد فساد وجود دارد (Lu, 2000: 8):

۱. مکتب جهان‌گرایی[1]، که عبارت است از مجموع رفتارهایی که در تمامی جوامع به عنوان فساد مطرح است؛

۲. طرز تفکر با مکتب فکری نسبی‌گرایی[2]، به این معنی که ممکن است رفتاری در یک جامعه فساد محسوب شود، در حالیکه در جامعه دیگر فساد نباشد، به عبارت دیگر این مکتب بر نسبی بودن فساد تأکید دارد.

حداقل از ۱۹۳۱ میلادی فساد اغلب به عنوان «سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منفعت خصوصی به کار رفته است». مایکل کلارک[3] بعد از بیان این مطلب آن را یک توافق نسبتاً جمعی از معنای فساد عنوان می‌کند؛ هر چند قضاوت در مورد این که چه وقت قدرت عمومی برای منافع شخصی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، منوط به اخلاق و برداشت سیاسی هر زمان است (Clark, 1983: 207, 61).

تعریف فساد «به سوء استفاده از موقعیت و شغل عمومی برای منفعت شخصی»، تعریفی است که مورد پذیرش بانک جهانی نیز واقع شده است (Word bank, 1997: 8). در این میان در حالی که عده‌ای وجود انگیزه پولی و مالی را جزء ارکان ضرورت فساد می‌دانند و حتی در مقام تعریف فساد به بیان رشوه می‌پردازند از نظر عده‌ای دیگر مفهوم فساد تا حدی وسیع است که هرگونه سوء استفاده از مقام حتی غیبت از محل کار را نیز شامل می‌شود. نویسنده کتاب «جرم و فساد»[4] به این نکته اشاره می‌کند که در جامعه هند «تأخیرها و دفع‌الوقت‌های غیر موجه» از سوی کارمندان دولت بیش از رشوه باعث سوء شهرت است. یک سرمایه‌گذار اقتصادی می‌تواند در بودجه‌اش هزینه رشوه‌ها را نادیده بگیرد، ولی از هزینه مربوط به تأخیر و تعامل‌ها به خصوص در امور بازرگانی نمی‌تواند غافل باشد؛ زیرا میزان و تبعات آن که باعث ایجاد ضرر در امر تجارت است، غیر قابل پیش‌بینی است (Shahi, 2000: 70). البته ناگفته پیداست که برخی از این تعلل و تأخیرها خود مقدمه رشوه یا به

1. Universalist.
2. Relativist
3. Micheal Clark.
4. Grime and Corruption

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

منظور رشوه صورت می‌گیرد.[۱] گاهی نیز اساساً ممکن است فساد به‌منظور استفاده از خدمات غیر مالی صورت گیرد مانند پدیده «حامی‌گرایی»[۲] یا «حامی پروری»[۳] مثلاً در امور سیاسی و اجتماعی.

اختلاف‌نظرها در باب مفهوم فساد در سطح بین‌المللی نیز نمایان است. در حالی که کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (UNCAC) دقیقاً به لحاظ همین اختلاف در معانی، تعریفی از فساد ارائه نداده و فساد را شامل دو بخش دولتی و خصوصی کرده است، بانک جهانی با تعریف فساد به سوء استفاده از منصب عمومی برای منفعت شخصی، آن را محدود به بخش دولتی و عمومی دانسته است. سازمان شفافیت جهانی (TI)[۴] نیز پس از چندی از تعریف سابق خود بر محوریت شغل و منصب عمومی و دولتی عدول کرده و تعریف وسیع‌تر سوء استفاده از قدرت به امانت داده شده برای منافع شخصی را به کار می‌برد (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۳۱ ـ ۲۸).

مؤسسه گالوپ[۵]، فساد را «اقدامات غیرقانونی که از طریق، آن‌ها شهروندان به مقامات دولتی رشوه می‌دهند تا مجوز بگیرند، قرارداد ببندند یا از مجازات بگریزند و به‌طور خلاصه، رشوه دادن برای فائق آمدن بر قانون یا قواعد بروکراسی» تعریف کرده است (عطایی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). «پل هیود»[۶] فساد سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: «رفتار منحرف شده مقام‌های دولتی از ضوابط و وظایف رسمی خود به دلیل ملاحظات شخصی، حزبی، قومی یا منطقه‌ای» (Nyc,1997:417) در این تعریف هم‌پوشانی فساد سیاسی و اداری به خوبی تبیین شده است.

کنوانسیون مبارزه با فساد مقامات دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (۱۹۹۷)، اولین سند جامع اروپایی برای مقابله با فساد محسوب می‌شود، در این سند فساد به دو دسته فساد غیر فعال[۷] و فساد فعال[۸] تقسیم شده است. در واقع منظور از «فساد غیر فعال، هرگونه درخواست امتیاز یا سود یا شیء مادی از سوی کارمند یا مأمور دولت یا دارنده هر منصب دولتی یا عمومی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ازای انجام یا خودداری از انجام عمل که در محدوده وظایف رسمی وی است، فساد غیرفعال

---

۱ . ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱، مواردی را از قبیل غیبت غیر موجه تا سوء استفاده از مقام اداری، اختلاس و رشوه و ... بر شمرده است که از مصادیق بارز فساد می‌باشند.

2. Favorism
3. Prebendalism
4.Transparency International.
۵. مؤسسه‌ای است که در زمینه پژوهش‌های کمی و سنجش شاخص‌های اجتماعی تخصص دارد.
6. Paul Hyde
7.Passive Corruption.
8.Active Corruption.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]
[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

محسوب می‌شود. «فساد فعال» روی دیگر این سکه است. منظور از فساد فعال هرگونه پیشنهاد اعطا یا وعده دادن امتیازهای مادی به یک مقام دولتی در ازای تعهد وی به انجام یا خودداری از انجام وظایف رسمی به وی می‌باشد. (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۴۵ ـ ۲۴۴).

کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی (پارلمو ـ ۲۰۰۰)[1] اولین و مهم‌ترین سند چند جانبه بین‌المللی است که علاوه بر موضوعات دیگر به جرائم مربوط به فساد پرداخته است. این کنوانسیون در بند ۱ ماده ۸ فساد را اینگونه بیان می‌کند: «۱) وعده اعطای پیشنهاد یا اعطای امتیاز غیرقانونی به یک مقام عمومی (دولتی) به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای خودش یا برای فرد یا نهادی دیگر، به قصد واداشتن آن مقام یا خودداری از انجام عملی که در راستای وظایف رسمی‌اش می‌باشد. ۲) درخواست یا پذیرش امتیازی غیرقانونی از سوی یک مقام عمومی به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا فرد یا نهاد دیگری به قصد انجام یا خودداری از انجام عملی در راستای وظایف رسمی‌اش، در ازای آن».

با اشراف بر چیستی فساد از منظر اندیشمندان و اسناد بین‌المللی، متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی به‌طور مستقیم وقف تحلیل محدودیت‌های ضد فساد از منظر رعایت آزمون تناسب در مبارزه با این پدیده ویرانگر انجام نشده است. اهتمام بر این است تا با نُرم‌سازی اصول ضد فساد و کشف کاستی‌های آن توسط آزمون تناسب، اقدامات و محدودیت‌های ضد فساد را استانداردسازی نمود. اصل تناسب و معیارهای آن (مناسبت، ضرورت، اقتضا یا تناسب به‌معنای مضیق) ابزار موثری در ارائه مدل بهینه هنجارسازی اصول آن و یک پارچه‌سازی اِعمال آن‌ها است. به بیان دیگر استفاده از ظرفیت اصل تناسب در به هنجار کردن ساختار آن در محدودیت‌های ضد فساد جهت جلوگیری از انحراف در حوزه تقنین، تفسیر قوانین و همچنین اجرا و نظارت بر آن‌ها و ارزیابی تصمیمات مبتنی بر صلاحیت اختیاری مقامات عمومی، واجد اهمیت می‌باشد. پذیرش ایده‌ی وارد کردن محدودیت‌های ضد فساد با رویکرد اعمال معیار تناسب در موارد قانون‌گذاری و اجرای آن در سطح ملی یک رویکرد متفاوت و نوین در عدالت رویه‌ای[2] است.

1.United Nation Convention Against Transnational Organized Crime And The Protocols Thereto.

۲. عدالت رویه‌ای عبارت است از میزانی که مقررات و رویه‌های مشخص شده توسط خط‌مشی‌ها در همه موارد کاربردشان به صورت یکسان پیروی می‌شوند. واژه عدالت رویه‌ای (Procedural Justice) به تبع پیدایش بحث از «عدالت سازمانی» مطرح گردید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

مناسب بودن محدودیت‌های ضد فساد نخستین عنصر «آزمون تناسب» در پیشگیری و مبارزه با فساد است. به این روش بررسی خواهد شد که آیا ملاحظات برای دستیابی به یک هدف قانونی به صورت کامل درک شده است؟ چرا که محدودیت‌های ضد فساد برای دولت و یا قدرت عمومی نه برای تحقق و حمایت از منافع عمومی، بلکه جهت حمایت از منافع شهروندان و ایجاد سلامت اداری ـ قضایی تحمیل می‌شود. معیار ضرورت به‌معنای آنکه اقدام جایگزین دیگری که شامل محدودیت‌های کمتری بر حق‌ها و آزادی‌های شهروندان باشد و معیار اقتضاء (تناسب در مفهوم مضیق) به این مفهوم که مقام عمومی و اداری نباید اقدامی را که در بردارنده آسیبی فراتر از حد مرتبط با هدف موردنظر قانون باشد را بر افراد تحمیل نماید، موجد محدودیت در علل گسترده شکل‌گیری بروز فساد اداری خواهد شد. اصل تناسب راهبردی جامع و هدفمند، مبتنی بر منافع و ظرفیت جامعه و قانون با ساختاری قابل اندازه‌گیری در جهت هدف شناسایی، پیشگیری و تنبیه مدیران فاسد است، تا رفتار مسئولان دولتی و مقامات عمومی را در بوته آزمایش و ارزیابی قرار دهد تا تعیین شود، چه مقدار از هنجارهای پذیرفته شده فاصله گرفته‌اند. تعیین راهبردهای مبارزه با فساد و درک تأثیر اصل تناسب به مثابه ابزار کارآمد در محدودیت‌های ضد فساد، مستلزم شناخت علت‌ها و عوامل اساسی بروز فساد است.

۳. معیار تناسب راهبردی مؤثر در پیشگیری وضعی از فساد در گذر سازوکار قانون‌گذاری

طرح پیش‌گیری وضعی[1] از جرم به‌عنوان یک نظریه علمی اصالتاً، تأسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های کلارک[2]، می هیو[3] و کرینش[4] مطرح شده و توسعه یافته است (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۰). این‌گونه پیش‌گیری در برگیرنده تمامی تدابیر و اقدام‌هایی می‌شود که به‌دنبال از میان بردن و یا حداقل کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و بروز فساد است. پیش‌گیری وضعی علیه فساد، در پی اعمال مدیریت و مداخله در محیط، کاهش فرصت‌های فساد و افزایش خطرات ناشی از ارتکاب بزه است تا بدین وسیله موجب ریشه‌کن شدن و یا کاهش فساد اداری و مالی شود. (لانگست و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

1. Situational Prevention
2. Clarke R.V.G
3. Mayhew,P.M
4. Cornish,D.B

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

منبع اصلی عملکرد در حوزه‌های مختلف قانون است و در خصوص پیشگیری وضعی از فساد، مسأله تدوین و تصویب قوانینی که بتواند مانع ارتکاب فساد توسط اشخاص شود امری ضروری است. در واقع قانونی در این زمینه مؤثر است که بتواند معادلات را به نفع عدم ارتکاب فساد تغییر دهد. بدیهی است در مقابل، قوانین و مقررات معیوب، ناقص یا متورم میل به ارتکاب فساد مالی و اداری را بیشتر می‌نماید (شریعتی، ۱۳۹۲: ۹۴). به عبارتی هر چه میزان مشروعیت نظام قانونی کمتر باشد میزان بیشتری از فساد را در کشور شاهد خواهیم بود.

برخی از مفسدان برای حفظ آبرو از یک طرف و رهایی از گرفتار شدن در چنگال عدالت از سوی دیگر، باز به حربه فساد روی می‌آورند و از انگاره «فساد راه‌حل فساد است»، یاری می‌جویند. اینان با کمک حلقه‌های ارتباطی خود با سران قدرت و پول، به‌عنوان مثال با نمایندگان مجلس، گاه می‌کوشند از ابتدای امر با اقدام در جهت قانون‌گذاری‌های مقطعی و موردی، عمل خود را موجه جلوه دهند. در نتیجه، به‌عنوان نمونه، در یک مقطع زمانی، قانونی مبنی بر مجوز صادرات و واردات کالایی که تا بیش از این ممنوع و قاچاق بوده به تصویب می‌رسد و یا به طور موقت برخی اجناس و کالاها مشمول معافیت مالیاتی می‌شوند. در این جاست که با فساد قانون‌گذاری مواجه هستیم (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۲۷۸ ـ ۲۷۷).

متأسفانه در این خصوص در اکثر کشورها قوانین متناقض و کلی بوده و از نظر انطباق با عناصر آزمون تناسب دارای تعارض می‌باشند به‌گونه‌ای که در قانون‌گذاری در مفهوم عام و تفسیر و اجرای آن به کارگیری مولفه‌های آزمون تناسب جایی نداشته و به ندرت الزام به کاربرد آن به‌عنوان یک هنجار قانونی مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، کاربست اصل تناسب به مثابه راه‌کار پیش‌گیری وضعی می‌تواند به عنوان راهبرد مناسب در کاهش فساد تلقی شود. در حقیقت این نوع نظارت یک بازبینی محتوایی است که در روند وضع قوانین و مقررات از سوی قانون‌گذار عادی و یا نهاد و مقام غیر تقنینی (تقنین تفویضی) صورت می‌گیرد[1] تا از عدم مغایرت محتوای آنها با موازین و معیارهای یاد شده، اطمینان حاصل شود (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۵).

قوانین و مقرراتی که سبب طولانی شدن فرایند انجام دادن کار در سازمان‌ها می‌شود زمینه بروز فساد را بیشتر می‌کند. این قوانین برای فساد ایجاد تقاضا می‌کند زیرا مردم مایلند هر چه زودتر از

۱. در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان قانون اساسی بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی و رئیس مجلس شورای اسلامی مطابق با اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی موظف به نظارت تقنینی هستند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

دست این قانون خلاص شوند، از طرفی، مشوق‌هایی هم برای عرضه فراهم می‌آورد، زیرا کارکنان می‌توانند با استناد به این قوانین و مقررات مانع انجام دادن کارها و سبب ایجاد تمایل به پرداخت رشوه شوند (فاضلی، ۱۳۸۸: ۳۶). همچنین خود قانون در معرض دستکاری و اعمال نفوذهای قانون‌گذاری است. بنابراین کاملاً متحمل است که قانونگذاری در خلأ یک هنجار قانون اساسی نظیر معیار تناسب، قانونی را به گونه‌ای تدوین کنند که موارد فساد در آن نادیده گرفته و یا قانونی تلقی گردد. خارج از بحث‌های ماهوی راجع به قوانین مربوط به پیش‌گیری از فساد، مهم‌ترین خلاء موجود در این خصوص را می‌توان ضعف قانون در ایجاد یک سیستم نظارتی کارآمد و به تبع آن اجرای سازوکارهای نظارتی اعم از نظارت درون نهادی و خود تنظیم و نظارت برون نهادی با معیارهای خاص مدرن دانست.

در سیستم‌های نظارتی مبتنی بر عوامل انسانی، امکان خطا و سهل‌انگاری خود یکی از دلایل شکل‌گیری فساد است (امامی، ۱۳۹۲: ۱). با استقرار سیستم‌های مدرن شبکه‌ای و کاربرد ابزار هنجارمند نظارتی مانند اصل تناسب که بر فرآیند قانون‌گذاری حاکم است می‌توان عملکرد آن را مورد ارزیابی قرار داد که این امر نیز به معنای تقویت سازوکارهای پیش‌گیری وضعی از ارتکاب فساد است.

نکته مهم دیگری که در امر پیش‌گیری وجود دارد مجازات و فرآیند مجازات کردن است. اگر چه توجه به تناسب مجازات با مفاسد ارتکابی به عنوان پیش‌گیری پسینی، به معنای پیش‌گیری پس از وقوع جرم مطرح می‌شود اما نباید بازدارندگی عام آن را نادیده انگاشت. مجازات‌های مناسب با جرم ارتکابی نیز می‌تواند به عنوان ابزاری جهت پیش‌گیری از فساد، مورد استفاده قرار گیرد (خلیلی پاجی، ۱۳۹۶: ۶۰). به‌طور مثال در ایران در این خصوص بند ب ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، قوه قضاییه را موظف به تدوین لایحه جامعی به‌منظور رسیدگی به جرائم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی و عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می‌شوند شامل تشکیلات، صلاحیت‌ها، آیین دادرسی و سایر موضوعات مربوط، کرده است.

کاربست معیارهای اصل تناسب به مثابه هنجار قانون اساسی و یک اصل مدرن حقوقی در فرآیند قانون‌گذاری می‌تواند به‌عنوان یک معیار کارآمد در بسامان شدن نظم حقوقی در پیش‌گیری و جلوگیری از فساد عمل نماید. از آنجا که نظم حقوقی به مثابه‌ی جامه‌ای دیده می‌شود که بر قامت نظم اجتماعی پوشانده می‌شود و میان این دو نظم ارتباطی دوسویه برقرار است، خلاء اصل تناسب

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

به عنوان ابزار نظارتی پویا موجب ضعف هنجاری یا بی هنجاری[۱] در محدودیت‌های ضد فساد خواهد شد. در نهایت بازتاب ابعاد افزایش گسترده فساد در گستره عرصه‌های اجتماعی موجب آنومی اجتماعی به معنای فقدان مجموعه قواعد حاکم بر روابط بین کارکردهای اجتماعی خواهد شد. زمانی که قاعده‌ای که تعیین کننده «ضرورت، مناسبت و اقتضای» تصمیمات حاکم بر روابط جامعه است، وجود نداشته باشد، نتیجه آن یک وضعیت هرج و مرج و فسادآور از بی‌تعادلی است که در آن هیچ چیز باقی نمی‌ماند جز اشتهایی فردی، اشتهایی که بی‌حد و حصر و غیر قابل اشباع است و هیچ چیزی وجود ندارد تا آن را کنترل کند (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۱۹).

٤. نظارت تناسب محور بر اجرای قوانین و مقررات، ابزاری پارلمانی و قضایی در مبارزه با فساد

فهم دقیق قوانین و اجرای صحیح آن می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشگیری از فساد داشته باشد. در یک نگاه کلی هدف از وضع قانون اجرای آن است. بنابراین علاوه بر ملاحظاتی که در تصویب یک قانون شایسته صورت می‌گیرد باید در اجرای آن نیز مطابق با اهداف قانون تلاش گردد. کنترل لازمه نظارت است، در این خصوص شایسته‌ترین مفهومی که از چیستی نظارت و کنترل تناسب محور با رویکرد مبارزه با فساد می‌توان بیان داشت عبارت است از: «ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها از زمان اجرای آن‌ها و اقدامات لازم برای جلوگیری از انحراف عملیات، نسبت به تناسب اقدامات با هدف‌های برنامه و اصلاح انحرافات احتمالی به وجود آمده در صورتی که منفعت حاصله بیشتر از صدمه‌ای باشد که به افراد مرتبط با آن تصمیم وارد می‌شود».

فرآیند نظارت و کنترل از دو دیدگاه «روندگرایی» (تدابیر کنشی یا پیشینی) و «نتیجه‌گرایی» (تدابیر واکنشی یا پسینی) محل بررسی است. هر یک از دیدگاه‌های «روندگرایی» و «نتیجه‌گرایی» دارای دو شکل کاملاً متفاوت با یکدیگر هستند. در رویکرد نخست، نظارت و کنترل در روند انجام کار و در هر یک از مراحل انجام آن و بلکه در لحظه به لحظه انجام عمل صورت می‌گیرد. با این اعتقاد که برای دست‌یابی به نتایج مطلوب باید روند کارها بهبود یابد؛ بنابراین روند انجام کار به اندازه نتیجه موردنظر با اهمیت تلقی می‌شود. در مقابل، نظارت و کنترل ناشی از نگرش نتیجه‌گرا، نظارتی است که در خاتمه بر روی نتایج کار و یا در مقطع خاصی صورت می‌گیرد (موسوی خانی، ۱۳۷۶: ۴۱۹).

---

۱. «بی‌هنجاری مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام امور خارج از هرگونه هنجاری صورت پذیرد» برای مطالعه بیشتر، ر. ک: چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، تهران ۱۳۹۵، چاپ هشتم، ص ۱۱۸.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

با عنایت به نحوه عملکرد نظارت قضایی هر دو دیدگاه قابل دریافت است اما جنبه روندگرایی ـ یعنی تلاش در جهت بهبود روند امور برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب ـ برای نظارت و کنترل پارلمانی از قوت بیشتری برخوردار است. پارلمان‌ها می‌توانند با به‌کارگیری راه‌حل‌های مسئولیتی از طریق پاسخگو کردن دولت با توسل به اصل تناسب با فساد مبارزه کنند این امر می‌تواند از طریق مشارکت مؤثر در فرآیند بودجه‌ریزی، اعمال نظارت پارلمانی از طریق کمیسیون‌های ضد فساد برای اجرای صحیح قوانین، همکاری با نهادهای حسابرسی عالی و تقویت فضای صمیمی رسانه‌ها تحقق یابد (استاپن هارست و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۴). به ویژه این عوامل، هنگامی کارآمدتر است که از حمایت کارکنان متخصص در رسانه‌ی مستقل برای تضمین آگاهی کامل مردم نسبت به آنچه در جامعه روی می‌دهد بهره‌مند باشند.

در جوامع دموکراتیک پارلمان‌ها به‌عنوان یکی از مظاهر اصلی دموکراسی و یکی از پایه‌های مبارزه کلی علیه فساد سیستماتیک، کلان و خرد قادر خواهند بود با تمسک به ابزار اصل تناسب با نظارت بر اجرای قوانین به وسیله کمیسیون‌های داخلی[1] و نظارت بر سازمان‌های دولتی با فساد مقابله کنند.

برای نمونه می‌توان به کنترل مالی پارلمان اشاره نمود. از آن جا که صحت امور مالی، مرکز تلاش‌های ضد فساد به شمار می‌آید، تمرکز مستقیم بر نقش پارلمان در چرخه بودجه مفید است. چرخه بودجه که دولت، بخش عمومی، جامعه مدنی و قانون‌گذار را در برمی‌گیرد، شامل چهار مرحله است تهیه پیش‌نویس، تصویب، اجرا و حسابرسی. در اکثر کشورها نظارت و کنترل نهایی بودجه ملی بر عهده پارلمان است که می‌تواند مسئولیت تنظیم بودجه را به دولت تفویض نماید. «این اختیار مالی»[2] دولت را به اخذ مالیات و مصرف آن در راه‌های خاص، تنظیم مدیریت منظم موجودی‌ها و ارائه گزارش منظم و شفاف ملزم می‌کند (این چرخه بودجه برای تضمین شفافیت و پاسخگویی و ایجاد محدودیت فساد، باید سه شرط را برآورده نماید:

---

۱. در نظام حقوقی ایران یکی از نهادهای نظارت پارلمانی، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی است. اصل ۹۰ قانون‌اساسی مقرر می‌دارد: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و یا قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید. در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.» نکته حائز اهمیت در صلاحیت اصل نود نظارت بر طرز کار قوه قضاییه است که قانون‌گذار اساسی آن را با ظرافت پیش‌بینی کرده است.

2. Power of the purse

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

نخست باید اختیار تخصیص و خرج بودجه، به نحو منضبط و شفاف مبتنی بر معیار اصل تناسب به وسیله پارلمان واگذار شود. دوم باید شرایطی برای معیارهای شفاف تخمین مخارج، ضرورت اجرای آن‌ها، تناسب اهداف و نتایج هماهنگ و مطابق با آن مخارج و به طور کلی در رابطه با اختیارات اعطا شده و تعهدات ایجاد شده بر مبنای این اختیارات، تعادل و تناسب وجود داشته باشد. سوم باید کنترل و نظارت عمومی امکان‌پذیری وجود داشته باشد. چنین رژیم نظارت پارلمانی می‌تواند عنصر کلیدی صداقت در دولت شمرده شود).

وجود متغیرهای دیگری برای پارلمان جهت اعمال کنترل و نظارت مانند دسترسی به اطلاعات به منظور تحلیل و ارزیابی مناسب لوایح، کسب گزارش اجرایی لازم‌الاجرا مربوط به برخی عملکردها و پیشرفت کار در راستای اجرای قوانین، یا اختیار پرسش علنی از وزیران راجع به عملکردهای وزارتخانه، صلاحیت تحقیق در مورد پیشرفت انجام امور سازمانی با درخواست مدارک و شواهد و بررسی و ارزیابی آن‌ها با معیارهای مدرن ارزیابی نظیر آزمون تناسب، نهایتاً منجر به نتایج مطلوب علیه فساد می‌گردد.[۱]

بهره‌مندی از ظرفیت‌های اصول مدرن حقوقی، ضرورت مبادله‌ی تجربیات در نحوه به‌کارگیری روش‌های فرامدرن مقابله با فساد و ایجاد شبکه‌های ارتباطی همکاری پارلمانی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت می‌کند. دو مورد از این شبکه‌ها عبارتند از: «سازمان جهانی پارلمان‌ها علیه فساد» [۲] (GOPAC) و «شبکه پارلمانی بانک جهانی» [۳](PNOWB). سازمان جهانی اخیر، نمونه‌ای از یک شبکه تک‌بعدی با هدف مبارزه و پیشگیری از فساد به وسیله تقویت صداقت در حکومت محسوب می‌شود. برای رسیدن به این هدف، شبکه‌ای را برای انتقال اطلاعات، ارائه آموزش‌های لازم و سازوکارهای حمایتی مشترک برای این منظور، فراهم ساخته است. ذیل اهداف بر شمرده شده سازمان در بند ۱، توسعه استانداردهای شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی مطلوبیت مورد تأکید واقع شده است. حکمرانی مطلوب و حق اداره خوب در سایر اسناد بین‌المللی نیز قابل جستجو است. مانند ماده ۶ منشور حق‌های بنیادین اتحادیه اروپایی که «حق اداره خوب» و اصل تناسب را مورد شناسایی قرار داده است. این ماده اشاره می‌دارد: «مقام اداری در هنگام تصمیم‌گیری باید تضمین

---

۱. نهادهای نظارتی قوه مقننه ایران را می‌توان: الف) دیوان محاسبات کشور (اصل ۵۵ قانون اساسی) ب) نهاد تحقیق و تفحص (اصل ۷۶ قانون اساسی) ج) سؤال و استیضاح دولت (اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی) د) کمیسیون اصل نود قانون اساسی بر شمرد.

2. Global Organization of Parliamentarians Against Corruption.

3. Parliamentary Network on the World Bank.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

نماید که تدابیر اتخاذی نسبت به هدف موردنظر متناسب هستند. مقام اداری خاصه باید از محدود کردن حق‌های شهروندان با تحمیل هزینه بر آن‌ها، هنگامی که آن محدودیت‌ها یا هزینه‌ها در یک ارتباط معقول با اهداف اعمال اتخاذی قرار ندارند، بپرهیزد. مقام اداری هنگام تصمیم‌گیری باید توازن منصفانه میان منافع اشخاص خصوصی و منافع عمومی ایجاد نماید.» (مرادی برلیان، ۱۳۹۳: ۸۰).

بیان این مهم ضروری است که هرگونه پویش دولت‌ها برای مقابله با فساد بدون دستگاه قضایی سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. بسیاری از قوانین که با تدبیر و تأمل فراوان تصویب شده است، به‌دلیل ضعف نظام‌های قضایی در بکارگیری ابزار ارزیابی مناسب، نمی‌توانند فساد را مهار کنند. اجرای قوانین ضد فساد، مستلزم وجود دستگاه قضایی کارآمد، مجهز به ابزار نظارتی مبتنی بر قانون و اصول مدرن حقوقی، آینده‌نگر، مسئول و پاسخگوست. دستگاه قضایی از دو جنبه توان تأثیرگذاری عمیق و پایدار را بر عدم موفقیت فرایند ضد فساد دارد: نخست، کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، که عامل جری شدن مرتکبان فساد خواهد شد. دوم، فاسد بودن عناصر قضایی که با اعمال نفوذ در رسیدگی‌ها یا عدم رسیدگی به پرونده‌ها، بخشی از زنجیره کارکنان فساد را تشکیل می‌دهد (ربیعی، ۱۳۸۳: ۷۲).

همانگونه که پیش‌تر بیان گردید نظارت تناسب محور قوه قضاییه بر اجرای قوانین، مقررات و حسن جریان امور ناظر بر دو رویکرد روندگرایی یا تدابیر کنشی یا پیشینی و رویکرد واکنشی یا پسینی کنترل می‌باشد. نظارت مبتنی بر رویکرد نخست توسط نهاد نظارتی مستقل از دادگاه اعمال می‌شود. در نظام حقوقی ایران مهم‌ترین نهاد نظارتی مبتنی بر رویکرد کنشی در قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور است. سازمان یاد شده در سال‌های گذشته با بازرسی‌های مداوم و یا حاصل از شکایات واصله در ایجاد و رسیدگی پرونده‌های موسوم به مفاسد اقتصادی، سهم به‌سزایی داشته است (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۴: ۵۰۰). ولی در مقام پیش‌گیری در بروز فساد در فرآیند اتخاذ تصمیم اداری و اجرایی، اقبال چندانی نداشته است.

همچنین سازمان بازرسی کل کشور در فرایند خصوصی شدن دستگاه‌ها و نهادهای دولتی ناشی از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دارای نقش و جایگاه مهم نظارتی است؛ تا هر چه بیشتر از بروز مراودات فسادآمیز در این فرآیند پیش‌گیری کند. بنابراین می‌بایست طراحی نظام کنترل و نظارت تناسب محور بر اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی دارای سه مرحله: نظارت پیش از واگذاری، نظارت در حین واگذاری و نظارت پس از واگذاری باشد.

شایان ذکر است نظارت دیوان عدالت اداری ناظر بر نظارت قضایی با رویکرد نتیجه‌گرا و تدابیر واکنشی یا پسینی می‌باشد و مرتبه آن پس از وقوع عمل است، مانند نظارت بر اتخاذ تصمیم و یا

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

صدور بخشنامه از سوی یک مرجع اداری یا نهاد حقوقی واجد صلاحیت مانند هیات وزیران در اثر مغایرت با قانون، شرع و یا مراودات فسادآمیز به نفع یک گروه خاص که غالباً با تقدیم دادخواست صورت خواهد پذیرفت.

۵. محدودیت‌های ضد فساد به‌عنوان حیطه عینیت بخشی به آزمون تناسب در صلاحیت اختیاری

امروزه به‌دلیل گسترش موضوعات مبتلابه اداری و زندگی مدرن و نقش پیچیده دولت در جوامع، تعیین تمام جزئیات و شرایط تصمیمات اداری از سوی قانونگذاران مقدور نیست از این روی در دولت‌های مدرن، اعطای صلاحیت اختیاری یک «شر اجتناب‌ناپذیر»[1] و ضرورت است. علی‌رغم امکان انحراف در اعمال صلاحیت تشخیصی، پیچیدگی‌های نظام‌های مدرن اداری و مدیریتی، اعطای صلاحیت مزبور را به مأموران دولتی، امری ضروری ساخته است. البته قوانین نباید آنچنان اختیارات گسترده و نامحدودی را به مقامات عمومی واگذارکند که امکان اقدامات خودسرانه و رفتارهای دلبخواهانه را برای آن‌ها فراهم کند (جلالی، جوزانی، ۱۳۹۳: ۶۳۱).

وجود صلاحیت اختیاری از طرفی می‌تواند به افزایش کارآمدی اداره و تأمین بهتر منافع عمومی منجر شود و از طرف دیگر همواره این تهدید وجود دارد که موجب اعمال نامناسب این قبیل صلاحیت‌ها گردد. ارتباط میان نهاد صلاحیت اختیاری با فساد اداری را می‌توان از دو جهت ارزیابی نمود. نخستین آن، شامل گسترش عرصه صلاحیت‌های تخییری مقامات اداری و دوم سوء استفاده از صلاحیت‌های اختیاری است.

ارتباط میان صلاحیت اختیاری و گستردگی آن با مفهوم فساد اداری را می‌توان در تعریف مشهور بانک جهانی مشاهده نمود.[2] در این تعریف فرض بر این است که سوء استفاده از اختیار، نتیجه منطقی «اعطای صلاحیت اختیاری گسترده» به مقامات اداری است و از آنجا که اعطای صلاحیت مزبور نوعی قدرت مانور و ارزیابی را به کارمند اعطا می‌نماید، میزان سوءاستفاده از اختیار تشخیص نیز نسبت به صلاحیت‌های تکلیفی افزایش می‌یابد. قوانین مربوط به صلاحدید معمولاً شفافیت و وضوح کافی ندارند و به‌همین دلیل می‌توانند احتمال سوءاستفاده از صلاحیت اختیاری مقام اداری را به ویژه در کشورهایی که عوامل فساد اداری در آنها وجود دارد افزایش

1. Discretion is unavoidable evil.

۲. فساد عبارت است از سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

دهند. فساد زمانی، اتفاق می‌افتد که مقام اداری از اختیار خود به نفع یک فرد یا گروه خاص سوءاستفاده نماید (مشهدی، ۱۳۹۱: ۶۶ ـ ۶۷).

بر این اساس می‌توان گفت، ارتباط مستقیمی میان افزایش اختیارات اداره و افزایش فساد اداری وجود دارد. با این حال حقوق اداری مدرن نمی‌تواند واقعیت صلاحیت تخییری را در اداره نادیده بگیرد. آنچه دغدغه حقوق اداری در زمینه مبارزه با فساد است در حقیقت محدود و مشروط نمودن آن با معیارها و هنجارهای فرازین است.

نخستین معیاری که در کنار معیار تناسب قرار مـی‌گیرد، مفهوم «خطای آشکار[1]» است که در ارزیابی، آشکارا به کار می‌آید. در حقوق اداری نوین این مفهوم به تخلف بارز اداری باز می‌گردد. قضات انگلیسی اختیار و گزینش اداری را هنگامی در زمره‌ی خطاهای آشکار قرار می‌دهند که آن را «غیر معقول[2]» ارزیابی نمایند. دیوان فدرال سوییس نیز تصمیم‌های اداری ناشی از بی دقتی آشکار اداره را لغو می‌نماید. شورای دولتی فرانسه نیز از سال‌های دهه‌ی شصت میلادی این مفهوم را در ارزیابی اختیار اداره مورد توجه قرار داده است (ویژه، ۱۳۹۰: ۲۸۹ ـ ۲۸۸).

معیار دیگری که به کار گرفته می‌شود «نظریه جمع‌بندی[3]» است. به‌موجب این نظریه در بازبینی اختیار ارزیابی در یک تصمیم اداری باید منافع و زیان‌های آن تصمیم ارزیابی شود و سپس در جمع‌بندی، اختیار ارزیابی مقام اداری سنجیده می‌شود. بدیهی است که در اعمال این معیار، قاضی اداری نیازمند «اصل تناسب» است. معیاری که به‌عنوان یکی از مهمترین استانداردهای مربوط به آیین‌های تصمیم‌گیری اداری مدرن در ارزیابی صلاحیت‌های اختیاری مقامات عمومی کاربرد دارد. معیار تناسب بر این نکته تأکید دارد که تصمیم مقام اداری باید در راستای هدفی باشد که صلاحیت تصمیم‌گیری آن، به مقام اداری واگذار شده است. بنابراین معیار تناسب نخستین محدودیت را بر «صلاحیت تخییری» وارد می‌نماید و آن رعایت هدف قانون‌گذار و ضرورت‌ها در اتخاذ تصمیم است تا بتوان میان تصمیم کارمند و ابزار مورد استفاده رابطه‌ای منطقی برقرار نمود. کارمند در اعمال صلاحیت تخییری آزاد نیست. وی باید صلاحیت اختیاری خود را در راستای معنی و هدف قانون به کار بندد و از هرگونه اقدام سختگیرانه و خارج از ضرورت اجتناب نماید (مشهدی، ۱۳۹۱: ۹۷).

---

1. Error manifested
2.Unreasonableness
3. Theory of Bilaan

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

بدین‌ترتیب می‌توان با تمسک بر معیار تناسب با دو رویکرد پیشگیرانه کنشی درون‌سازمانی توسط مقام عمومی واجد صلاحیت اختیاری و سلسله مراتب ساختاری ناظر بر آن از یک طرف و نظارت واکنشی نسبت به تصمیم اتخاذ شده مبتنی بر صلاحیت تخییری نسبت به سوء استفاده از مقام و قدرت عمومی به امانت داده شده که از بارزترین و شایع‌ترین مصادیق فساد است از طرف دیگر، اعمال کنترل کرد.

رهیافت

فساد اداری، پدیده‌ای جهان شمول و غیرقابل انکار است که نظام اداری هر کشور کم و بیش به آن دچار است. با اذعان بر این واقعیت که امکان یک تعریف جامع و مانع در خصوص معانی فساد دشوار است اما در مقام بیان «سوء استفاده از قدرت عمومی برای منفعت خصوصی» یا «رفتار منحرف شده مقام‌های دولتی از ضوابط و وظایف رسمی خود به دلیل ملاحظات شخصی، حزبی، قومی یا مالی» مفاهیمی هستند که با مداقه در نظریه اندیشمندان و اسناد بین‌المللی، یک توافق نسبتاً جمعی، از معنای فساد اداری را در بر می‌گیرند.

تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است، اتکا به راه‌حل‌های کیفری برای خروج از بحران فساد در کشور، چاره‌ساز نخواهد بود، از این روی مبارزه با فساد نیازمند الزامات، ظرافت‌ها و تدابیر بسیاری است که سلامت نظام اداری را تضمین نماید، در جستجوی روش‌های بهینه و مؤثر جهت بهبود چارچوب سازوکارهای تفنینی، اجرایی و نظارت، کاربرد اصول مدرن حقوقی به‌عنوان ابزاری در راستای پیشگیری و مقابله با فساد حائز اهمیت است. اصل تناسب و معیارهای آن (مناسبت، ضرورت، اقتضاء یا تناسب به معنای مضیق) به‌عنوان اصلی دارای ساختار، ابزاری مؤثر در ارائه مدل بهینه هنجارسازی اصول کنترل و نظارت می‌باشد. اصل مذکور به‌مثابه یک کنترل مبتنی بر قانون اساسی صرفاً محدود به نظارت بر صلاحیت‌های اختیاری مقامات عمومی نمی‌گردد، بلکه گستره شمول آن به کلیه فعالیت‌های حاکمیت از جمله قانون‌گذاری، تفسیر و اجرای آن قابل بسط و گسترش است.

پذیرش ایده وارد کردن محدودیت‌های ضد فساد با رویکرد اعمال معیار تناسب در موارد قانون‌گذاری و اجرای آن و نظارت اداری و قضایی بر تصمیمات مبتنی بر صلاحیت اختیاری مقامات عمومی در سطح ملی یک رویکرد متفاوت و نوین در عدالت رویه‌ای است. متأسفانه در ایران در

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

تدوین قوانین و مقررات هیچ اقدامی به طور مستقیم وقف تحلیل محدودیت‌های ضد فساد از منظر رعایت آزمون تناسب در مبارزه با این پدیده ویرانگر انجام نشده است.

پیشنهاد می‌شود با استقرار سیستم‌های مدرن شبکه‌ای و کاربست ابزار هنجارمند نظارتی نظیر اصل تناسب که بر فرآیند قانون‌گذاری حاکم است، می‌توان عملکرد آن را مورد ارزیابی قرار داد، این امر به معنای تقویت سازوکارهای پیش‌گیری وضعی از ارتکاب فساد و مشروعیت هر چه بیشتر قوانین خواهد بود. در حقیقت این نوع نظارت یک بازبینی محتوایی است که بر روند وضع قوانین و مقررات از سوی قانون‌گذار عادی و یا نهاد و مقام غیر تقنینی (تقنین تفویضی) صورت می‌گیرد تا از عدم مغایرت محتوای آنها با موازین و معیارهای یاد شده، اطمینان حاصل شود. در خلاء یک چنین ابزار ارزیابی هنجارمندی، بسیار متحمل است که قانون‌گذاران، قانونی را به‌گونه‌ای تدوین کنند که موارد فساد در آن نادیده گرفته و یا قانونی تلقی گردد و یا در مقام تفسیر در معرض سوء استفاده جناحی و سیاسی قرار گیرد که از آثار محتوم آن آنومی اجتماعی خواهد بود.

قانون باید مجموعه‌ای از اصول اساسی از قبیل رعایت معیارهای حقوق بشر و ابزارهای تضمین آن را نظیر اصل تناسب، به بیانی شفاف ارائه دهد و مطابق با شرایط داخلی، اهداف مشروع پیش گفته را دنبال کند. هر چند قوانین می‌توانند بخش ضروری در مجموعه خط‌مشی‌ها و اقدامات کشور در مبارزه با فساد باشند ولی هرگز شرط کافی نیستند، از این روی علاوه بر ملاحظاتی که در تصویب یک قانون شایسته صورت می‌گیرد باید در اجرای آن نیز مطابق با اهداف آن تلاش گردد. در فرآیند کنترل و نظارت بر اجرای قانون از محدودیت‌های ضد فساد دو دیدگاه «روندگرایی» (تدابیر کنشی) و «نتیجه‌گرایی» (تدابیر واکنشی) محل واکاوی است.

در رویکرد نخست، کنترل و نظارت در روند انجام کار مدنظر است، با این اعتقاد که برای دست‌یابی به نتایج مطلوب باید روند کارها بهبود یابد در مقابل در نگرش نتیجه‌گرا نظارت بر نتایج کار متمرکز است.

پارلمان به‌عنوان یکی از مظاهر اصلی دموکراسی و یکی از پایه‌های مبارزه کلی علیه فساد خرد، کلان و سیستماتیک، قادر خواهد بود با تمسک به ابزار اصل تناسب با نظارت بر اجرای قوانین به وسیله کمیسیون‌های داخلی و نظارت بر سازمان‌های دولتی با فساد مقابله کند. برای نمونه می‌توان به کنترل مالی پارلمان اشاره نمود. از آن جا که صحت امور مالی، مرکز تلاش‌های ضد فساد به شمار می‌آید تمرکز مستقیم بر نقش پارلمان در چرخه بودجه و تناسب بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات با اهداف موردنظر قانون، بخشی از سیاست‌های موفق بر ضد فساد است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

هرگونه پویش دولت‌ها جهت مقابله با فساد بدون دستگاه قضایی سالم امکان‌پذیر نخواهد بود، انگاره نظارت تناسب محور نیز، در قوه قضاییه در دو رویکرد کنشی یا روندگرا از یک سو و واکنشی یا نتیجه‌گرا از سوی دیگر، قابلیت تجلی دارد. نظارت غیر قضایی قوه قضاییه از طریق بازرسی در قالب تنظیم گزارشات و کنترل بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه‌های اجرایی ناظر بر رویکرد روندگرایی یا تدابیر کنشی است. این شیوه می‌تواند توسط نهاد نظارتی مستقل از دادگاه اعمال شود. در ایران مهم‌ترین نهاد نظارتی کنشی قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور است. سازمان مذکور می‌تواند ضمن کاربست اصل تناسب وفق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان، بر اجرای صحیح قوانین و مقررات در دستگاه‌های اجرایی کشور نظیر ارزیابی تناسب میان اعمال و اهداف اداری و ابزار مورد استفاده در دستیابی به اهداف در راستای تضمین محدودیت‌های ضد فساد در فرآیند خصوصی‌سازی ناشی از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، کنترل و نظارت غیر قضایی نماید.

وجه دیگر کنترل قوه قضاییه، نظارت قضایی بر اقدامات واحدهای دولتی، آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی و غیر دولتی در راستای جلوگیری از سوء استفاده یا تجاوز از اختیارات و تخلف در اجرای قوانین و مقررات است. این ارزیابی ناظر بر رویکرد نتیجه‌گرا یا واکنشی است که توسط دیوان عدالت اداری اعمال می‌گردد. در انتها در این مقاله ضمن تبیین ضرورت اعطای صلاحیت‌های تخییری به مقامات عمومی و دولتی به واسطه پیچیدگی‌های نظام اداری و مدیریتی، ارتباط میان نهاد صلاحیت تخییری و سوءاستفاده از اختیار و قدرت تصمیم‌گیری، مورد ارزیابی قرار گرفت. در گستره صلاحیت‌های اختیاری همواره این تهدید وجود دارد که اِعمال نامناسب آن موجب فساد اداری شود و از طرفی دیگر گسترش فساد اداری منجر به اعمال نامناسب این قبیل صلاحیت‌ها گردد. آنچه دغدغه حقوق اداری در زمینه مبارزه با فساد است در حقیقت آیین‌مند نمودن تصمیمات اداری و محدود و مشروط نمودن آن با معیارها و هنجارهای فرازینی است. می‌بایست اهتمام بر آن باشد تا با نُرم‌سازی اصول ضد فساد و کشف کاستی‌های آن توسط اصول نوین حقوق عمومی نظیر آزمون تناسب، اقدامات و محدودیت‌های ضد فساد را استانداردسازی نمود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

فهرست منابع

۱. منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

ـ چلبی، مسعود (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.

ـ خلیلی پاجی، عارف (۱۳۹۶)، پیشگیری از فساد مالی و اداری، تهران: انتشارات خرسندی.

ـ دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰)، فساد مالی، اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، تهران: نشر میزان

ـ ربیعی، علی (۱۳۸۳)، زنده باد فساد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ـ راسخ، محمد (۱۳۸۸)، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: نشر ادراک

ـ لانگست، پیتر و دیگران (۱۳۸۷)، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

ـ فاضلی، محمد (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر سنجش فساد، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ـ مرادی برلیان، مهدی (۱۳۹۳)، اصل تناسب در نظام حقوق اتحادیه اروپایی با نگاهی بر آرای دیوان عدالت اداری ایران، تهران: انتشارات خرسندی

ـ مشهدی، علی (۱۳۹۱)، صلاحیت تخییری «نظام حقوقی صلاحیت‌های تخییری در قوه مجریه، تهران: انتشارات معاونت تحقیقات آموزش و حقوق شهروندی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری

ـ ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰)، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران: انتشارات جنگل.

– یزدانی، هرمز (۱۳۷۸)، کد اروپایی رفتار خوب اداری، آمبودزمان اروپا، طرح پژوهش مرکز توسعه قضایی

ب) مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

ـ استاپن هارست، ریک؛ الریچ، مارتین؛ استروهال، سورین (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر مبارزه پارلمان‌ها با فساد»، ترجمه حاتم صادقی زیازی، نشریه مجلس و پژوهش.

ـ افضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت»، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی ریاست جمهوری سال بیست و هشتم.

ـ امامی، محمد و دهقان، فرشته (۱۳۹۲)، «نظارت درونی سلسله مراتبی بر دستگاه‌های اداری در نظام حقوقی ایران»، مجله مطالعات حقوقی، دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره ۱.

ـ جلالی، محمد (۱۳۹۸)، «جایگاه اصل تناسب در حقوق اداری فرانسه با نگاهی تطبیقی به برخی کشورهای اروپایی و رویه نهادهای قضایی اروپایی، از تنظیم قدرت تا تضمین حق‌ها»، ناشر: خانه اندیشمندان علوم

ـ جلالی، محمد و کریم جوزانی، مریم (۱۳۹۳)، «صلاحیت تشخیص و کنترل‌پذیری آن در حقوق اداری (از منظر حقوق بنیادین و اقتضاعات دولت مدرن)»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، جلد نخست.

ـ زارعی، محمد حسین؛ فنازاده، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی مدل‌های کنترل قضایی صلاحیت اختیاری»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، جلد نخست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

ـ شریعتی، رضا (۱۳۹۲)، «الزامات مرتبط با پیش‌گیری ناشی از الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
ـ شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۶)، «نقش و جایگاه سازمان بازرسی کل کشور در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی»، نشریه مجلس و پژوهشی، سال ۱۳، شماره ۵۴.
ـ صفاری، علی (۱۳۸۰)، «مبانی پیش‌گیری از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴ ـ ۳۳.
ـ عطایی، امید (۱۳۸۹)، «شاخص‌های ادراک فساد و راهکارهای اجرای آن»، مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، انتشارات زبان نو.
ـ گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۴)، «تأمل پیرامون مفهوم اصل تناسب با نگاهی بر چگونگی اعمال آن در حقوق اداری ایران»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، جلد نخست.
ـ موسوی خانی، محمد (۱۳۷۶)، «نظارت و کنترل با کدام رویکرد؟ روندگرایی یا نتیجه‌گیری»، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی و پژوهش نظارت و بازرسی در کشور، نشر بازرسی کل کشور.
ـ نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۳)، «اساسی‌سازی حقوق پیش‌گیری از جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶

۲. منابع لاتین

- Andreescu, M., (2011), "Principle of proportionality, Criterion of Legitimacy in the Public Law", lex ET Scientia. Juridical series, Vol.1.
- Clark, Micheal, (1983), Corruption, Causes Consequences and Control, Newyork, st. Martine's Press.
- Dahl, Robert, (1999), A Preface of Democratic Theory, 350Main Street, Malden, MA 02148, University of Chicago Press, USA.
- Hartmut Maurer, (1995), Droit administratif allemard traduction, Michel Fromont,Paris, LGDJ.
- Lu (Xiaobo), (2000), Cadres and Corruption, California, Stanford University Press.
- Mayer, Otto, (1925), Detuaches Verwaltungsrecht.
- Murshed, M.; Mredula, F.A. 2018, Impacts of Corruption on Sustainable Development: A Simultaneous Equations Model Estimation Approach. J. Account. Financ. Econ.
- Nye, J.S. (1997), "Corruption and Political Development: A Cost Benefit Analysis", American Political Science Review.
- P. singh, M., (2001), German Administrative Law in Common Law Perspective, Springer.
- Poto, M., 2007, "The Principle of Proportionality in Comparative Perspective" German Law Jornal, Vol.8, No.9.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]

- Sampford, Charles and else, (2007), Measuring Corruption, P. Ashgate.
- Shahi, MP, (2000), Crime and Corruption, Authors Press Under the austices of Crime Against man.
- Stojanovi´c, I.; Ateljevi´c, J.; Stevi´c, R.S. (2016), Good Governance as a Tool of Sustainable Development. Eur. J. Sustain. Dev.
- Takahashi, Y.,(1999), "Proportionality - a German Approach", AMICUS CURIAE, Journal of the Society for Advanced Legal Studies, Issue, 19.
-Transparency International. Corruption Perception Index. (2019), Available online: https://www.transparency.org/ (accessed on 20 February 2019).
- Word Bank, (1997), Helping Countries Combat Corruption.
- World Bank. World Development Indicators; The World Bank: Washington, DC, USA, (2019); Available online: https://openknowledge.worldbank.org (accessed on 10 August 2019).
- World Bank Group. World Bank report ‘Country and Lending Groups’ Report. (2015). Available online: https://www.worldbank.org/ (accessed on 10 February 2019).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-02-13]

[DOI: 10.61186/qjal.10.33.9]